

شعر باید ار

بارقه‌های بیدار در

نگاهی به اشعار دکتر غلامرضا رحمدل

محمودرنجبر*

اشاره

سیدحسن حسینی، قیصر امین‌پور و اینک غلامرضا رحمدل؛ شاعرانی با چند وجه مشترک: هر سه ایشان فعالیت شعری خود را پس از انقلاب آغاز کردند و شعرشان در ذیل سبک شعر انقلاب طبقه‌بندی می‌شود؛ هر سه از دانش‌آموختگان و استادان ادبیات فارسی بوده‌اند و هر سه در میانسالی در گذشته‌اند.

اما دکتر رحمدل وجه افتراقی هم با آن دو بزرگ دیگر دارد و آن، مرگ خاموش اوست. رحمدل، بر خلاف حسینی و امین‌پور، در شعر نو شهری نیافت؛ شعرش از تغزل و روانی معهود شعر امین‌پور و صورخیال و آرایه‌های تأمل‌برانگیز حسینی فاصله دارد؛ در عوض، شعر او را می‌توان «سرود حماسه و جنگ» دانست. با فخامتی متناسب با چنین مضامینی. در زمینه پژوهش نیز او نه همچون امین‌پور در باب شعر معاصر سنت و نوآوری را نوشت و نه چون حسینی در تبیین ارتباط میان سهراب، بیدل و سبک هندی و همچنین مجاز و استعاره در سینما و ادبیات تلاش کرد.

تحقیقات رحمدل در حوزه ادبیات معاصر نیز مانند شعرش، بیشتر به جنگ اختصاص داشت. او در گدازه‌های چاه و آه به بررسی شعر جنگ پرداخت و زوایایی تاریک از این جریان شعر معاصر فارسی را روشن کرد؛ اثری که در خیل عظیم کارهای درباره ادبیات جنگ، همچون دری تابناک می‌درخشد.

رحمدل دلبسته گذشته‌ها بود. او نه تنها در باب اسلام و عاشورا می‌سرود، که درباره آنها تحقیق هم می‌کرد. پس بخش مهمی از تحقیقات او در چارچوب تعریف‌شده درس‌های دانشجویان زبان و ادبیات فارسی نمی‌گنجد و متأسفانه باید نوشت که به آن دست از تألیفات رحمدل که در ارتباط مستقیم با درس‌های رشته ادبیات فارسی است، آن‌چنان که شایسته‌اش بوده، توجهی نشد؛ فی‌المثل می‌توان از حاکم حکیم نام برد؛ اثری که در آن به به دقت به تحلیل دیدگاه‌های حکومتی سعدی پرداخته است. تنها اثر تحقیقی رحمدل که مورد توجه دانشجویان ادبیات واقع شد، کتاب عروض اوست، و آزاردهنده است که بنویسیم دلیل توجه نسبی به این کتاب، جای داشتن آن در فهرست درس‌های دانشجویان ادبیات فارسی است!

با وجود این که زمینه غالب سرایش و تحقیق رحمدل بی‌اعتنا به موضوعات باب روز بوده است، می‌توان یقین داشت که اگر او مرکز‌نشین بود، یا آثارش را با ناشرانی فعال‌تر در امر پخش و توزیع کتاب منتشر می‌کرد و کارش آن‌چنان که شایسته‌اش بود، دیده می‌شد، مرگش چنین خاموش و بی‌پژواک نمی‌ماند؛ هرچند که او اکنون از هر چیزی بی‌نیاز است. «کتاب‌ماه ادبیات» کوچ‌غریبانه این استاد شاعر را به جامعه علمی و ادبی ایران تسلیت می‌گوید و برای روح آن سفر کرده، رحمت و مغفرت مسئلت دارد. یادش گرامی باد.

۹. گزیده ادبیات معاصر [مجموعه شعر] (تهران: کتاب نیستان)، ۱۰. مجموعه مقالات گیلان‌شناسی (گیلان: دانشگاه گیلان)، ۱۱. رجزهای یورشوی در کلام حماسه/آفرینان کربلا (گیلان: دانشگاه گیلان)، ۱۲. ما ایستاده‌ایم [مجموعه شعر جنگ] (بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس گیلان ۱۳۸۶)، ۱۳. شکفتن طوفان [مجموعه شعر] (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۶)، ۱۴. حماسه عطش (رشت: دهبسرا ۱۳۸۶)، ۱۵. چشیدن دریا (چاپ دوم، رشت: حرف نو)، ۱۶. تذکره شهدای کربلا (چاپ دوم، گیلان: دانشگاه گیلان ۱۳۸۵)، ۱۷. صخره در گلوگاه آب [مجموعه شعر نو و آزاد] (بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس گیلان ۱۳۸۶)، ۱۸. فراق‌کنی در مثنوی مولوی (دانشگاه سبزوار ۱۳۸۶)، ۱۹. حماسه آب (تهران: قو ۱۳۸۷).

دکتر رحمدل پس از گذراندن یک دوره بلندمدت بیماری و بیش از ۹۰ روز بستری شدن در حالت کما، در تاریخ ۲۵ فروردین ۸۸ به دیدار حق شتافت. آنچه که در ادامه خواهد آمد، بررسی و معرفی برخی از آثار دکتر غلامرضا رحمدل، به ویژه در حوزه ادبیات پایداری است.

ساحت شاعرانه پایداری

شعر، ظریف‌ترین و پیراسته‌ترین شکل سخن‌گویی برای انتقال اندیشه و مفاهیم بشر است. کلمات به کاررفته در شعر، حاصل گزینش ادراک‌مند شاعر است. هرچه حساسیت بیشتری در واژه‌گزینی باشد، زبان شعری لطیف‌تر و رساتر می‌شود. در کشور ما از دهه ۵۰، که اتفاقاً دکتر رحمدل نیز از جمله شاعران این دهه است، درک این لطافت به همراه ساختار زبانی فخیم، کمک شایان توجهی به بسط و گسترش توانانندیشه و زبان و در نتیجه، حرکت به سمت تعالی آن داشته است. پس از یک دوره گنج‌کننده شعر، که حاصل ضربه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۰ بوده است، شعر و نثر، آمیزهای از تحذیر و کنیایک یا گوشه‌نشین می‌شود. در این میانه، شاعرانی بودند که علی‌رغم رمز‌گشایی مأموران اداره سانسور، از مرز اندیشه‌های هاشورزده می‌گذشتند و سخن خویش را به مخاطبان منتقل می‌کردند:

این گونه به خشت می‌نهم خشت

در خانه کور دیدگانی

تا از پس آفتاب فردا

بنشانمشان به سایه‌بانی

افروخته‌ام چراغ از این رو

تا صبحدمان در این شب گرم

می‌خواهم برکشم بجاتر

دیواری در سرای کوران (لنگرودی، ۱۳۷۰: ۶۱)

اسطوره در صدای تو تفسیر می‌شود

خورشید در نگاه تو زنجیر می‌شود

دریا که با تکلم خود شعر زندگی‌ست

در موج‌موج خشم تو تعبیر می‌شود (رحمدل، ۱۳۷۲: ۷)

با حرکت انقلابی مردم ایران در بهمن ۵۷، رازهای ناگشوده و سخنان

مرحوم دکتر غلامرضا رحمدل، استاد دانشگاه، شاعر و نویسنده‌ای است که عمده فعالیت‌هایش در سه حوزه نقد ادبی، ادبیات معاصر و تاریخ اسلام بوده است. وی متولد ۱۳۳۰ در روستای شرفشاده لاهیجان است. تحصیلات ابتدایی‌اش در همان روستا سپری شد و در ادامه، از محضر دکتر شفیعی کدکنی، کیانی و انصاری برخوردار گردید. رحمدل پس از گذراندن دوره دبیرستان، در سال ۱۳۵۷ کارشناسی ادبیات و در سال ۱۳۶۴ کارشناسی ارشد را از دانشگاه تهران دریافت کرد و مقطع دکتری خود را در همین رشته، به سال ۱۳۷۱ در دانشگاه تربیت‌مدرس گذراند. وی ضمن تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلات عالی، به عنوان معلم در روستاهای لاهیجان و برخی از دبیرستان‌های منطقه ۱۳ تهران مشغول به فعالیت بود. پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، وارد دانشگاه گیلان شد و مسئولیت‌های مختلفی، از جمله ریاست دانشکده ادبیات (۱۳۷۰-۱۳۷۶) و معاونت دانشجویی و فرهنگی (۷۴-۱۳۷۵) را بر عهده گرفت. دکتر رحمدل نخستین استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان است و علاوه بر فعالیت‌های اجرایی و تدریس، در زمینه پژوهش نیز یکی از استادان پرکار بوده است. چاپ ۱۸ عنوان کتاب پژوهشی و شعر، ارائه بیش از ۴۰ مقاله علمی در سمینارها و مجله‌های علمی و پژوهشی، از جمله دیگر فعالیت‌های علمی وی محسوب می‌شود. عناوین کتاب‌های دکتر رحمدل به شرح زیر است:

۱. عروض (چاپ سوم، گیلان: دانشگاه گیلان ۱۳۸۵)، ۲. دیدگاه‌های حکومتی سعدی (گیلان: دانشگاه گیلان)، ۳. از زمزمه تا فریاد [مجموعه شعر]، ۴. تذکره شهدای کربلا [شهدای بنی‌هاشم] (گیلان: دانشگاه گیلان)، ۵. تذکره شهدای کربلا [شهدای انصار] (گیلان: دانشگاه گیلان)، ۶. از کربلا تا حره [سه سال بعد از عاشورا] (گیلان: دانشگاه گیلان)، ۷. گدازه‌های چاه و آه: گزیده اشعار با پیش‌درآمدی بر فرآیند شکل‌گیری شعر جنگ (رشت: دهبسرا)، ۸. بال در بال ثانیه‌ها [گزیده اشعار] (رشت: دهبسرا)

اشعار دکتر رحمدل به عنوان نمونه‌ای

از اشعار انقلاب، در حوزه قالب‌های

شناخته‌شده کلاسیک، نیمایی و سپید

سروده شده است. وی با خلق فضاهای

تازه و درونمایه‌های متفاوت، می‌کوشد تا

خاستگاه اصلی خود را که متجلی‌کننده

اصالت و هویت معنوی انسان است، در

گستره زبان قرار دهد

فروخته نسل معاصر ایران به جوششی دوباره برخاست و نسلی تازه از شعر به عرصه ادبیات پا نهاد. هم‌آوایی شاعرانی شناخته‌شده و ناشناخته در معرفی آموزه‌های نهضت انقلابی، در آثار بسیاری که چند سالی پس از انقلاب اسلامی - پس از فروکش کردن شور انقلابی - به چاپ رسید، نشان‌دهنده ظهور و بروز حجمی عظیم از اندیشه‌های ناب بود. در این میانه، دکتر غلامرضا رحمدل نیز به عنوان یکی از اعضای اصلی محافل شعری شهرستان‌ها، در حوزه هنری و در جرگه شاعران جوان، علمدار برپایی شب‌های شعر در بسیاری از شهرستان‌ها بود. آثار وی در آغازین روزهای انقلاب اسلامی، به ویژه دفاع مقدس، در روزنامه جمهوری اسلامی، جنگ سوره و کیهان فرهنگی به چاپ رسیده است. مجموعه منسجم وی با نام *از زمزمه تا فریاد*، اگرچه بسیار دیر - ۱۳۷۲ - به چاپ رسید، اما اشعار آن بر اساس نمودار تاریخی، در دو بخش زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم‌بندی می‌شود. هفت شعر نخست این مجموعه شامل ۳ غزل و ۴ طرح و شعر سپید است که به لحاظ زمانی، به قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد. در همین هفت شعر وی، تجربه شاعرانه و زیباشناسانه‌ای ناب جریان دارد که با زبان بی‌پیرایه شاعر، خواننده را همسفر کرانه‌های بی‌بدیل مفاهیم نو می‌نماید:

پیچید در گوش سحر آواز باران
سوزی دگر دارد سرود ساز باران
بهت عمیق ریشه‌ها پایان پذیرفت
با واژه‌های روشن آغاز باران
آن کس که مفهوم شکفتن را نداند
کی می‌تواند پی برد بر آواز باران؟ (همان: ۳۲)

این تجربه‌ها و زیبایی‌ها - البته در عصر خود - افزون‌خواهانه و زیادانگارانه هم نیست. شاعر جوان، از سر وجد حاصل از کشف، چه در عرصه زبان و چه در عرصه حرکت‌های انقلابی‌گری‌اش، ادعایی بزرگ و به دور از واقعیت را بیان نمی‌کند. تجربه‌ها، کشف و مفاهیم زیبای اشعار وی می‌کوشد در اعتدال به سر برد؛ اما جوشش معانی او دغدغه حرکت را در سر می‌پروراند:

تو ای ندیده شکوه و جلال بیداری
به باغ بنشان نهال بیداری
به بارگاه منا، بر منار آزادی

آذان نور سراید بلال آزادی (رحمدل، ۱۳۸۶: ۴۲)

شعر رحمدل به منزله حلق اتصال و پلی شناور است که سواحل الفاظ و زبان را به گستره آرمان‌های متعالی مرتبط می‌سازد (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۱۶). این تعالی، حاصل برداشت شاعر از طبیعت زبان است؛ طبیعتی که دستخوش تغییرات اجتماعی شده و مفاهیمی نوین در اندیشه‌ها تسری یافته است و شاعر می‌کوشد مابه‌ازای حرکت را در قالب شاعرانه خود تصویر نماید. از همین رو، شعر او نقاشی‌ای سبز از محیط اجتماعی، و صدایی است که در خیابان و جنگل و دشت جاری است:

ای چشمه‌های روشن پرواز

بر قله‌های معراج
بر بیکران سرخ شکفتن
ای رویش بلند صداهاتان
بر تافته ز جنگل گیلان
ایمانتان صلابت البرز
جنگل، حدیث عشق شما را
تفسیر می‌کند

دریا، حدیث خشم شما را آواز می‌دهد (رحمدل، ۱۳۷۲: ۱۵)

اشارات نخستین وی در مجموعه *از زمزمه تا فریاد* برای رسیدن به فرآیندی نقش‌پذیر برای کلمات، به‌جز شیوه‌های بیانی است. او در مقدمه‌ای شش‌صفحه‌ای، درباره هنر و تعهد به این مهم اشاره می‌کند: «کلکم راع کلکم مسئول عن رعیتة». جامعه اسلامی، جریان بیدار می‌خواهد؛ نه گوسفند سربه‌زیر؛ نه بز اخفش و نه گرگ هار؛ ابودر تلخ‌زبان می‌خواهد، نه کعب‌الاحبار چرب‌زبان. در یک نگرش کلی می‌توان هنرمندان جامعه را به سه گروه تقسیم کرد: ۱. هنرمندانی که با چاقو سر می‌برند. ۲. هنرمندانی که با پنبه سر می‌برند. ۳. هنرمندانی که هنرشان نه چاقو و نه پنبه، بلکه تیغ جراحی است. آنگاه درباره شکل‌گیری مجموعه *از زمزمه تا فریاد* می‌نویسد: از زمزمه تا فریاد در دی‌ماه ۵۵ نطفه بست و در بهمن ۵۷ متولد شد (رحمدل، ۱۳۷۲: ۵). نخستین غزل این مجموعه با عنوان «شعر از گلوی زمزمه» با این بیت آغاز می‌شود:

اسطوره در صدای تو تفسیر می‌شود
خورشید در نگاه تو زنجیر می‌شود

این غزل در مجموع از یکدستی مناسبی برخوردار است؛ زبان آن بی‌واسطه به معرفی خود می‌پردازد و شهود شاعر را که بی‌تکرار در زبان او جاری است، به ثبت می‌رساند. شاعر در همین ابتدای مجموعه و در آخرین بیت این غزل، که بنا به گفته‌اش، نخستین شعر متولدشده اوست، رسالت هنر شاعری را این‌چنین بیان می‌کند:

وقتی لبان عشق لبالب شد از سکوت
شعر از گلوی زمزمه شمشیر می‌شود

«بوی ستاره» دومین شعر مجموعه *از زمزمه تا فریاد* است که کاری سپید و با حال و هوای غزل نخستین اوست:

از خواب تا به حادثه راهی نمانده بود
ما از مسیر عشق گذشتیم

و دست‌های ما بوی ستاره می‌داد
وقتی که با تکلم شب نعره می‌زدیم

و پرسه می‌زدیم

در کوچه‌های دربه‌در

ما از مسیر عشق گذشتیم

چونان که خواب شیرین

در انتظار فرهاد

ما راهیان معبر شب بودیم

ما راهی همیشه بیگانه‌ایم

با کوله‌بار حادثه بر دوش

و با هوای صید ستاره (همان: ۸)

اشعار منتشرشده در مجموعه آثار رحمدل، به لحاظ زمانی تفاوت‌هایی چشمگیر در ذهن و زبان شاعر را نشان می‌دهد. گلدازهای چاه و آه (۱۳۸۵) یکی دیگر از آثار وی است که به عنوان طرحی تحقیقی، پیش‌درآمدی بر فرآیند شکل‌گیری شعر جنگ را به مخاطب ارائه می‌دهد. در این اثر، شاعر پاره‌ای از شعرهای دهه ۶۰ را نیز که با حال و هوای جنگ سروده شده و عمدتاً در صفحه نخست روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسیده‌اند، منتشر کرده است. این اشعار به‌خوبی نشان می‌دهند که مواجهه انقلاب اسلامی با جنگی ناخواسته، و ضرورت پوست‌اندازی کنش‌های آرمانگرایانه به سمت بسیج نیروها، انگیزه‌های شدت‌آمیز تا در اندک مدتی، زبانی فخیم با عنوان شعر دفاع مقدس یا به عرصه وجود نهد (رحمدل، ۱۳۸۵: ۸۹). بنابراین حرکت جریان‌ساز جوانان شاعر در غیاب افرادی با سابقه و نیز تشخص زبانی، توانست ویژگی‌های درونی و بیرونی خود را با توازن و ضرورت‌های فردی و اجتماعی شعر پاسخ دهد (نیکبخت، ۱۳۷۴: ۷۷). با بررسی اشعار این گروه از جوانان در مقتضیات زمانی، می‌توان به فصلی قابل تأمل در چرخه وسیع شعر دست یافت. دکتر رحمدل در مجموعه گلدازهای چاه و آه کوشید تا با بررسی درونمایه‌های جنگ از دیدگاه‌های مختلف، روایت‌های متعدد از آن را در قرآن و ادبیات کلاسیک بررسی کند. او در این مجموعه، نقش اثرگذار سه متغیر مستقل، شامل منابع مکتوب، نهادهای فرهنگی و مراسم را ارزیابی می‌کند (همان: ۹). سیر تاریخی شکل‌گیری محافل ادبی جنگ و نشریات فعال در این زمینه، اثر یادشده را به عنوان طرحی برای نگارش تاریخ ادبیات دفاع مقدس - نه به عنوان حضوری تاریخ‌نم، بلکه به عنوان جریانی روشن‌گر از نخستین سال‌های حیات بشری تا عصر کنونی - در آورده است. در بخش پایانی این مجموعه، تعدادی از اشعار این شاعر پایداری آمده است. وی به‌خوبی نشان می‌دهد که بسنده کردن به تجربه‌های محدود، بیش از آن که میزان واکنش‌های زبان برای تبیین این تجربه‌ها را بیازماید، نیازمند شعری است. او می‌کوشد در این اثر نیز بر این امر صحه گذارد که اگرچه به لحاظ تقویمی، سال‌ها از جنگ گذشته است، اما روایت پایداری در ساختار نقش‌مند شعر همواره می‌تواند جاری باشد.

تجربه‌های شاعرانه رحمدل در فرم غزل و سپید، برای رسیدن به مفهومی است که به گونه‌ای ارجمند می‌توان از آن به شهود شعری و ترزیانی شاعرانه در هیمنه اندیشه نام برد؛ لذا فرقی نمی‌کند این شهود در چه فرمی ظهور کند؛ حتی اگر در مجموعه کلماتی، وزن و موسیقی سنتی عروضی نیز وجود نداشته باشد، این شهود شاعرانه با تعمیق بخشیدن به محتوا و ایجاد فضای سوررئالیستی و آشنایی‌زدا جریان می‌شود؛ به گونه‌ای که درچه‌های نوینی از زیبایی‌شناسی را به روی خواننده می‌گشاید (رحمدل، ۱۳۷۸: ۱۱).

چوپان پیر دهکده را می‌گویم

در گرگ و میش صبح

همراه با سپیده و شالی

از راه می‌رسد

در خورچینش

یک مشت ستاره

و در سفره‌اش

دو گرده خورشید (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۶۶)

مجموعه آثار دکتر رحمدل در حوزه دفاع مقدس نیز حس و حالی تازه در نظم‌بخشی اندیشه‌های فردی و اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. اگرچه دیرزمانی از آن تاریخ گذشته است، اما آدمی با جهان شعری او بیگانه نیست و لایه‌های پنهان زبان و وجوه تازه اشیا و عناصر، در بافتی درخشان و البته آگاهی‌بخش، به جان و دل می‌نشیند. در این مجموعه می‌توان سه ویژگی شاخص تعهد و پیام، ریشه‌داری و مایه‌وری واژگان و ترکیب‌ها را یافت، که البته پیش از این، یا در شعر ما راه نیافته بودند و یا اندک کاربرد داشته است (تجلیل، ۱۳۷۲: ۱۲۷)؛ واژگانی مانند شهید، جبهه، فجر، شهادت و ...

صدای صیحه سم سمند می‌آید

سوار صابر بالابند می‌آید

خلیل دل خلل افکند بر جوارح بت

امیر قافله پیروزمند می‌آید

میان مجمر دل کشاکش آتش

صدای ترکش موج سپند می‌آید (رحمدل، ۱۳۸۶: ج: ۵۹)

اشعار دکتر رحمدل به عنوان نمونه‌ای از اشعار انقلاب، در حوزه قالب‌های شناخته‌شده کلاسیک، نیمایی و سپید سروده شده است. وی با خلق فضاهای تازه و درونمایه‌های متفاوت، می‌کوشد تا خاستگاه اصلی خود را که متجلی‌کننده اصالت و هویت معنوی انسان است، در گستره زبان قرار دهد. این مهم البته آموزه‌ای است که در جریان نهضت اسلامی نیز وجود داشته است و نگاه دیگرگونه به انسان و جهان و حرکت در قلمرو اندیشه‌ها و مضامین مذهبی، به گونه‌ای که در شعر انقلاب دیده می‌شود، هرگز با این گستردگی و عمق، چه در سروده‌های قبل از انقلاب و چه در دوره‌های دوردست ادبیات ما، سابقه نداشته است (میرجعفری، ۱۳۷۶: ۱۳). بنابراین برای بسط و گسترش دایره زبانی، این اندیشه‌ها و مضامین می‌توان از ساده‌ترین رفتار عملی، مثل گفتن صلوات بهره گرفت:

بر منظره اذان و گنبد صلوات

بر تربت آفتاب مشهد صلوات (رحمدل، ۱۳۸۶ الف: ۴۸)

با نام علی غنچه لب را بگشای

با نام محمد دهنش خوشبو کن (همان: ۴۸)

گاهی نیز شعر به اوج بیان و اندیشه می‌رسد و ترجمانی شاعر را در بستری از اندیشه ناب نشان می‌دهد:

با دوست مجال گفت‌وگو یافته‌ایم

از نور حضور رنگ و بو یافته‌ایم

امروز اگر به خویشتن می‌بالیم



این مجموعه چنان پیری سالخورد، «از لای کرکره‌های زندگی به بیرون نگاه می‌کند» و چشم‌انداز برف و آفتاب تموز را می‌نگرد. در بخشی دیگر از این مجموعه، به مرور خاطرات می‌پردازد؛ خاطراتی که انسان در دوران خردسالی می‌آفریند «و در بزرگسالی، در پناه حافظه تاریخی با آن زندگی می‌کند» (همان: ۱۱)؛ گاهی این خاطرات، حکایت مردمی است که او در خطاب به شاعر (شعور تاریخی بشر) روایت می‌کند:

بگو شاعر، بگو از درد مردم

مشو در ازدحام واژه‌ها گم

بخوان از معبر تصویر پاییز

چروک چهره‌های زرد مردم

برنجستان نمایشگاه درد است

خزر پژواک درد گیله‌مرد است

مبین بر بام سبز و نام سبزش

به زیر سبز، پنهان فقر زرد است (همان: ۳۹)

سال‌های سکوت رحمدل از پس گذر سیاست‌ها و سیاسی‌ها هم دیدنی است. او این سکوت را در فریاد شعرش می‌نهد:

در عین گریستن نمی‌خندم

در نقطه جوش یخ نمی‌بندم

گر فرصت فریاد میسر نشود

بر فلسفه سکوت پابندم (همان: ۴۴)

اما چه چیزی شاعر را به سکوت واداشته است؟ شاعری که «جسم کلمات» او اگر جان دارد، «از خاک طربناک شهیدان دارد»؛ شاعری که می‌گوید:

ما را به جرم کهنگی از خود مرانید

پیریم، اما بچه‌های انقلابیم

او اما فریادش نه برای خود، بلکه برای نسلی است که حامی

از خون شهید آبرو یافته‌ایم (رحمدل، ۱۳۸۶: ب: ۸۴)

این روایت البته در شعر دفاع مقدس و شعر انقلاب بسیار رواج دارد. رحمدل نیز می‌کوشد تا در جست‌وجوی جلوه‌های عینی و مشهود، به جای شنیدن، به دنبال دیدن برود. این امر باعث می‌شود تا بسیاری از اشعار او از حالت ذهنی (subjective) به حالت عینی (objective) حرکت کند؛ به عنوان نمونه، می‌توان غزل «اقلیم هود» را نام برد. این غزل در اسفندماه سال ۶۲ و در مناطق جنگی جنوب سروده شده است. رحمدل در این شعر به جز دیدن با چشم سر، بصیرت شهودی سرخوشان حرم عشق را نیز روایت می‌کند:

باز از جبهه حق نعش شهید آوردند

ورقی پاره ز قرآن مجید آوردند

چاوشان حرم از علقمه خوزستان

جسم بی‌دست ابوالفضل رشید آوردند

خیل نطالق که با منطق خون ممتازند

بر لب بسته گل قول سدید آوردند (رحمدل، ۱۳۷۲: ۳۰)

در پاره‌ای از اشعار نیز رحمدل به حوزه شعر روی آورده است:

برزمید، برزمید، جوانان دلاور

بکوبید بکوبید سر بعضی کافر

ز دل نعره برآرید، ره خصم بگیرید

هلا حمله‌گران، هان یکی حمله دیگر (رحمدل، ۱۳۸۶: ب: ۵۸)

ما که ماندیم!

بال در بال ثانیه‌ها (۱۳۸۶) آخرین اثر استاد رحمدل است که در میانه سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ سروده شده است. این اثر به جز طرح موضوع فخامت زبان شاعر و ساختار منسجم اندیشگی در آن، به گونه‌ای وصیتنامه‌ای است که توصیه‌های شاعر را نشان می‌دهد. او در

ارزش هاست. بنابراین فریاد برمی آورد که:

بر میز مذاکرات با خون شهید

بازی به روال دیپلماسی نکنید (رحمدل، ۱۳۸۶ ج: ۳۷)

اما او چه چیزی را می بیند که بر فلسفه سکوت پابند می شود؟ آیا ترس از حربه تکفیر است؟ خیر؛ «از حربه تکفیر نداریم هراس» (همان: ۴۹)؛ بلکه آنچه که شاعر را به سکوت وامی دارد، فضایی ذهنی است که از عینیات جامعه بر او نشان داده می شود:

شهر آلوده به رنگ است، خدایا میسند

سفره ساده ما دامگه آز شود (همان: ۵۰)

اندیشه شاعر در مجموعه *بال در بال* ثانیه‌ها میراث ماندگاری است که در ساختار منسجم زبان او به کمال می رسد. شاید این مجموعه یکی از خوش ساخت ترین مجموعه های رحمدل محسوب شود که در آن می توان تلاقی فضای عینی را در زبان امروز و چرخش ابدایی شاعر در بستر ذهنی را به تماشا نشست:

ما را به جرم عاشقی دیوانه خواندند

پرسشگری را سیره بیگانه خواندند

ما را به جرم همگرایی با شهیدان

سوداگران قصه و افسانه خواندند (همان: ۷۵)

این روایت اما به اینجا ختم نمی شود. *بال در بال* ثانیه‌ها نیازمند تعمقی جداگانه برای بررسی مرز زبان گفتار و میزان بهره‌مندی رحمدل از زبان است. به لحاظ اجتماعی نیز این اثر سوگ سرودی است از روایت رنج مانای شاعر، که دربرگیرنده اوضاع اجتماعی عصر نیز هست.

اشعار گیلکی

اشعاری که دکتر رحمدل به گویش گیلکی سروده، تا کنون چاپ نشده است؛ اما پاره‌ای از این اشعار شامل تصنیف‌هایی با مضامین ارزشی است که توسط صدا و سیمای مرکز گیلان اجرا و پخش شده است و پاره‌ای دیگر نیز سوگ سروده‌هایی است که شاعر به گویش گیلکی و به لهجه شرفشاده‌ی، آنها را در محافل مختلف قرائت کرده است.

احاطه رحمدل به گویش مادری‌اش و توانمندی او در طنطنه زبان، او را به عنوان شاعری توانا در عرصه شعر گیلکی معرفی کرده است. شعر ارزشمند «شالیزار»، حکایت پدر سه شهید است که با کاربرد مفاهیم ارزشی و عناصر (موتیف) محلی، حس روستایی و سادگی پیرمردی کشاورز را نشان می دهد. این پیرمرد که در مواجهه با پیکر سومین فرزند خود لب به سخن می‌گشاید؛ پیوند ساده‌زیستی شاعر، به عنوان زبان مردم فقیر، در جنگ را به تصویر می کشد. این پیوند البته درست هنگامی که پدر کفن از اندام پسر کنار می زند و می بیند که او سر بر بدن ندارد، در جریان سیال ذهن شاعر، به عاشورا بر می گردد و همین دستمایه‌ای می شود تا شاعر دامنه این مظلومیت را به واقعه ۶۱ هجری در کربلا پیوند بزند. احاطه وسیع شاعر به مسائل تاریخی چهره‌سازان واقعه عاشورا، به‌ویژه کتاب‌های تذکره شهدای کربلا، در همین پاره شعر گیلکی شالیزار نمود می‌یابد.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به مجموعه اشعار از *مزمزه تا فریاد*، *گزیده ادبیات معاصر*، *ما ایستاده‌ایم*، *شکفتن طوفان*، *چیدن دریا*، *صخره در گلوگاه آب*، و *بال در بال* ثانیه‌ها می توان بر این نکته تأکید کرد که رحمدل از دستگاه منسجم فکری برخوردار است و برای ادراک و فهم شعر وی، کلید این دستگاه منسجم را می توان به خوبی در آثار وی دریافت کرد. بر این مجموعه‌ها می توان تحقیقات دامنه‌دار وی در تاریخ اسلام را نیز افزود، که شفافیت اشعار حماسی رحمدل را می شناساند. در واقع مجموعه اشعار و آثار دکتر رحمدل نشان می‌دهد که می توان بین ارزش‌های هنری و زبانی در شعر و نثر و پرداختن به مسائل اجتماعی پلی زد که حاصل آن، نگاه به دردهای مشترک نسل شاعر است؛ بنابراین بیان درک مشترک، به زبان هنری مشترک و خوانش مشترک متن نیاز دارد. در این میانه، برای تدوین نظام‌مند اشعار این استاد زبان و ادبیات فارسی، ضمن معرفی زبان وی، می توان مجموعه‌ای درخشان برای تحقیقات بعدی در حوزه زبان و اندیشه را برای محققان فراهم کرد.

پی‌نوشت

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان.

۱. اگر از من بپرسند بهترین شعر سیاسی پس از شکست ۲۸ مرداد

چیست، می گویم این چند سطر ساده صریح:

سال بد

سال باد

سال شک

سال اشک

سال روزهای دراز و استقامت‌های کم

سالی که غرور گدایی کرد

سال پست

سال درد (شعر و شناخت - ضیاء موحد - مروارید، ۷۷ ص ۹۸)

کتابنامه

- تجلیل، جلیل، «ادبیات انقلاب اسلامی (اقتراح)»، *ماهنامه کیهان فرهنگی*، ویژه انقلاب اسلامی، خرداد ۷۱.
- زرین کوب، حمید، ۱۳۵۸، *چشم انداز شعر نو فارسی*. تهران: نوین.
- شمس لنگرودی، ۱۳۷۰، *از نیما تا بعد*. تهران: گلشن.
- میرجعفری اکبر، ۱۳۷۶، *حرفی از جنس زمان*. تهران: قو.
- نیکبخت، محمود، ۱۳۷۴، *از اندیشه تا شعر*. اصفهان: هشت‌بهشت.
- رحمدل، غلامرضا، *از مزمزه تا فریاد*. گیلان: دانشگاه گیلان.
- _____، ۱۳۸۶ الف، *بال در بال ثانیه‌ها*. رشت: دهنسرا.
- _____، ۱۳۸۶ ب، *شکفتن طوفان (مجموعه شعر)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۶ ج، *ما ایستاده‌ایم (مجموعه شعر جنگ)*. گیلان: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- _____، ۱۳۸۵، *گدازه‌های چاه و آه‌رشت*: دهنسرا.